



# چه بود و چه شد

## زبان در تصرف اینترنت



گرچن میک کالک | مانده بشارت

چه بود و چه شد

زبان در تصرف اینترنت



| باهم خوب باشیم |



# چه بود و چه شد

## زبان در تصرف اینترنت

گرچن مک کالک | مائدہ بشارت

سرشناس: مکالوک، گرچن  
McCulloch, Gretchen

عنوان و نام: باید آور؛ چه بود و چه شد: زبان در تصرف اینترنت / نویسنده گرچن مکالاک؛ مترجم مانده بشارت.

مشتملات نشر: تهران: نشر خوب، ۱۳۹۹.

مشتملات ظاهري: ۴۱۶ ص

شالك: ۰۱-۴۲۲-۶۹۸۳

و همچنان: همراه توسيع: پها

پادداشت: عنوان اصلی: ۲۰۱۹ Because internet: understanding the new rules of language.

پادداشت: عنوان دیگر: زبان در تصرف اینترنت.

موضوع: زبان و اینترنت

Language and the Internet: موضوع:

نشانه افزوده: بشارت، مانده، ۱۳۶۰، مترجم

ردیبدی کنگره: P120

ردیبدی دیوسي: ۳۰۲/۲۲

نمایه کتاب فنازی اعلی: ۶۱۲۴۱۷۹

۹۰۱۹۷۰۱



## شرخوب اناشركتاب‌های خوب ا

### چه بود و چه شد: زبان در تصرف اینترنت

نویسنده: گرچن مکالاک

ترجم: مانده بشارت

هزارستان ادبی: سارا قدیمی

پرواستار فنی: محبوبه محمدعلی شریفی

راوح جلد نسخه فارسی: نیلوفر مرادی

داده‌سازی و صفحه‌آرایی: مینا فیضی

شاور فن چاپ: حسن مستقیمی

بابک: ۰۱-۶۹۸۳-۶۲۲-۶۷۸

پت چاپ: اول - ۹۹

ریز: ۱۰۰۰ نسخه

و گرافی و چاپ: پرسیکا

حافی: مهرگان

مت: ۵۳۰۰ تومان



۰۲۱-۶۴۳۵۶۲



www.khoobb.com



info@khoobb.com

تقدیم به کسانی که زبان اینترنتی را به وجود آوردهند.  
سرزمین شمایید، این کتاب تنها یک نقشه است.

گ.م



**Because Internet:  
Understanding the New Rules of Language**

**Copyright © 2019 by Gretchen McCulloch**

**Published by RIVERHEAD BOOKS, an imprint of  
Penguin Random House LLC**

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انتشاری انتشار (Copyright)  
کتاب Because Internet: Understanding the New Rules of Language  
به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به نشر خوب است.



# یادداشت ناشر

کتاب حاضر، چنان‌که از عنوان آن برمی‌آید، تلاشی است برای معرفی نگاهی جدید به تحول زبان. کتاب را نمی‌توان کاملاً تخصصی به حساب آورد. زبان کتاب ساده و همه‌فهم است و شیوه نگارش و بررسی مثال‌ها در آن، به گونه‌ای است که هر خواننده علاقه‌مند به مطالعات زبانی را با خود همراه می‌کند، هرچند که اگر مخاطب پیش‌زمینه‌هایی در این علم داشته باشد، بیشتر می‌تواند با کتاب همراه شود. روش است تحول زبان، و مشخصاً تأثیرگذاری اینترنت بر این تحول زبانی، مختص زبانی خاص نیست و همه زبان‌های طبیعی، در برخورد با پدیده نوظهور اینترنت، دستخوش تغییراتی شده‌اند و خواهند شد. اما زبانی که این کتاب هستهٔ پژوهش خود قرار داده انگلیسی است. برای همین آشنایی ابتدایی به زبان انگلیسی می‌تواند خواننده را در همراهی با کتاب مجهز کند. در مورد مثال‌هایی که موضوع بررسی، صرفاً معنا است، ترجمه آن‌ها را به زبان فارسی در متن اصلی آورده‌ایم. در مواردی که معنا در همراهی با صورت، شکل بیان، املاء، تلفظ و غیره موضوع بررسی است، مثال انگلیسی را در متن و ترجمه آن را در پانویس آورده‌ایم. در موارد محدودی نیز که موضوع بررسی اصلاً معنایی نیست و صرفاً ویرگی‌های صوری اهمیت دارند، فقط مثال انگلیسی در متن آمده است. بدیهی است که برگرداندن درست و دقیق مثال‌ها و تناظر یک‌به‌یک مباحث کتاب با زبان فارسی، نیازمند پژوهش علمی دیگری است که فراتر از ترجمه این اثر است.



# فهرست

فصل اول: نوشتار غیررسمی	۱۳
فصل دوم: زبان و جامعه	۳۱
فصل سوم: افراد اینترنتی	۸۷
فصل چهارم: نویسه‌نگاری لحن	۱۴۱
فصل پنجم: ایموجی‌ها و دیگر ایما و اشاره‌های اینترنتی	۱۹۶
فصل ششم: چگونه گفت‌وگوها تغییر می‌کنند؟	۲۴۴
فصل هفتم: میم‌ها و فرهنگ اینترنتی	۲۹۲
فصل هشتم: استعاره جدید	۳۲۵
سپاسگزاری	۳۳۶
یادداشت‌ها	۳۳۹
نمایه	۴۰۴
درباره نویسنده	۴۱۵



# فصل اول

## نوشتار غیررسمی

تصور کنید حرف زدن را به جای مردم از نوارهای صوتی و تصویری یاد می‌گرفتید. اگر گفت و گو کردن را از فیلم‌ها یاد گرفته باشید، احتمالاً فکر می‌کنید مردم معمولاً تلفن را بدون خدا حافظی قطع می‌کنند و هیچ وقت هم کسی وسط حرف دیگری نمی‌پرد. اگر بیان کردن افکارتان با صدای بلند را از برنامه‌های خبری یاد گرفته باشید، احتمالاً فکر می‌کنید که هیچ‌کس حتی لحظه‌ای مکث نمی‌کند یا وقتی به دنبال ایده‌ای است دست‌هایش را تکان نمی‌دهد و خیلی کم پیش می‌آید که مردم فحش بدنه‌ند و هرگز کسی قبل از ساعت ۱۰ شب فحش نمی‌دهد. اگر قصه گفتن را از کتاب‌های صوتی یاد گرفته باشید، احتمالاً فکر می‌کنید که در چند صد سال گذشته زبان انگلیسی تغییر چندانی نکرده است. اگر برای جمعی صحبت کرده باشید، احتمالاً فکر می‌کنید سخنرانی همیشه با اضطراب و دل‌شوره همراه است و باید پیش از رو به رو شدن با جمعیت، ساعت‌ها تمرین کرد.

بی‌شک، هیچ‌کدام از این کارها را انجام نداده‌اید. خیلی پیش‌تر از آنکه بتوانید پای یک گزارش خبری بنشینید و آن را تماشا کنید یا برای عده‌ای سخنرانی

کنید صحبت کردن به زبان مادری را در خانه و به صورت خودمانی و غیررسمی یاد گرفته‌اید. شاید هیچ وقت نتوانید سخنرانی کنید، اما قطعاً می‌توانید در جمیع دوستانتان از وضعیت آب و هوا شکایت کنید. در هر دو وضعیت، بخش‌های ثابتی از بدنتان تکان می‌خورند، اما اصلاً شبیه هم نیستند.

با این حال همه ما خواندن و نوشتن را دقیقاً به همین شکل یاد گرفتیم. وقتی به نوشتن فکر می‌کنیم، به یاد کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مقاله‌های علمی می‌افتیم که سعی می‌کردیم در تکالیف مدرسه از سبک نوشتاری آن‌ها تقليد کنیم؛ البته معمولاً هم از پس این کار برنمی‌آمدیم. ما یاد گرفتیم که نوع رسمی زبان را بخوانیم؛ زبانی که ادعا می‌کند زبان انگلیسی در یکی دو سده اخیر چندان تغییر نکرده است، زبانی که ظاهر می‌کند واژه‌ها و کتاب‌ها از آدم‌هایی که آن‌ها را خلق کرده‌اند جدا هستند، زبانی که تعامل فکری و زبانی دو سخنور را کم‌ارزش جلوه می‌دهد. ما آموختیم هنگام نوشتن همیشه از جوهر قرمز بترسیم، به ما یاد دادند حتی پیش از اینکه اصلاً فکر کنیم چه می‌خواهیم بگوییم، نگران ساختار باشیم؛ انگار نوشهای خوب است که بیشتر در آن اصول و قواعد رعایت شود تا ظرافت و ذوق و شوق. معمولاً<sup>۱</sup> ما از کاغذ سفید و سخنرانی در جمیع به یک اندازه می‌ترسیم.

تا همین اواخر، وضعیت به این صورت بود. اینترنت و تلفن‌های همراه، انقلابی در نگارش به وجود آورده که مردم عادی آن را شکل دادند. نوشتن به بخش بسیار مهمی از زندگی روزمره ما تبدیل شد و ما از آن برای گفت‌و‌گو استفاده می‌کردیم. در سال ۸۰۰، شارلمانی<sup>۲</sup> بدون آنکه سواد خواندن و نوشتن داشته باشد، امپراتور مقدس روم باستان<sup>۳</sup> شد و تاج‌گذاری کرد. البته او کاتبانی داشت که فرمان‌هایش را می‌نوشتند، اما بی‌سواد بود و یک امپراتوری را اداره می‌کرد؟! امروزه بدون نوشتن حتی نمی‌شود برای یک جشن تولد برنامه‌ریزی کرد. نوعی از نوشتن جایگزین نوع دیگر نشده است: پیام «تولد مبارک» توافق دیپلماتیک را بر هم نزده است.

تغییر صورت گرفته آن است که اکنون نوشتار هم به صورت رسمی و هم غیررسمی به کار می‌رود، درست مثل گفتار که مدت‌هاست این‌گونه است.

اکنون ما مدام در حال نوشتمن هستیم و بیشتر چیزهایی که می‌نویسیم محاوره‌ای‌اند: پیام‌های ما، گفت‌وگوهای ما و محتوایی که در فضای مجازی به اشتراک می‌گذاریم همگی فوری‌اند، محاوره‌ای هستند و زیر دست ویراستار نرفته‌اند. اگر شما «نویسنده» را کسی بدانید که متنی نوشته است و بیش از صد نفر آن را خوانده‌اند، در این صورت تقریباً تمام کسانی که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند نویسنده هستند، فقط کافی است مطلبی درباره شغل جدید یا کودکی که به تازگی در خانواده به دنیا آمده بنویسید. این‌گونه مطالب به‌اندازه کافی ویرایش نمی‌شوند، نوشتار رسمی دیگر در فضای مجازی از بین رفته است (سایت‌های خبری و تجاری زیادی هستند که هنوز بیشتر شبیه کتاب‌ها مطلب می‌نویسند)، موضوع این است که فضای مجازی پر شده است از واژه‌هایی که بازبینی و ویرایش نشده‌اند و زمانی فقط در گفتار استفاده می‌شدند.

\*\*\*

من زبان‌شناس هستم و با فضای مجازی و شبکه جهانی اینترنت سروکار دارم. وقتی با این حجم از خلاقیت زبان اینترنتی در فضای مجازی مواجه می‌شوم، واقعاً دلم می‌خواهد که از چگونگی کارکرد آن سردریباورم. چرا ایموجی‌ها به سرعت محبوب شدند؟ چرا مردم از سنین مختلف در ایمیل‌هایشان از نشانه‌گذاری‌های متفاوت استفاده می‌کنند؟ چرا زبانی که در میم‌ها به کار می‌رود آن قدر عجیب و غریب است؟

فقط من نیستم که پاسخ این پرسش‌ها را نمی‌دانم. وقتی نوشتمن درباره زبان‌شناسی زبان به کارگفته در فضای مجازی را آغاز کردم، خیلی زود با پرسش‌های بیشتری از سوی خوانندگان مواجه شدم؛ پرسش‌هایی که برای پاسخ دادن به آن‌ها مقاله‌دیگری لازم بود. من به همایش‌های گوناگونی رفتم و خودم را غرق مطالعه

۱. تصویر، ویدئو، هشتگ، کلمه، عبارت یا حتی یک غلط املایی با محتوای طنزآمیز است که توسط کاربران اینترنتی و با کمی تغییر در فضای مجازی انتشار می‌باید.

مقالات‌ها کردم و به پاسخ تعدادی از پرسش‌هایم رسیدم. فهمیدم که پاسخ بسیاری از پرسش‌ها داده شده بود، فقط پاسخ‌ها از طرف کسی نبود که اینترنت مثل زبان مادری‌اش باشد، همهٔ پاسخ‌ها یکجا جمع نشده بودند، پاسخ‌ها به شکلی نوشته نشده بود که خواندنش برای همه، حتی کسانی که زبان‌شناسی نمی‌دانند، جذاب باشد. به همین دلیل، من این کتاب را نوشتیم.

در پس زبانی که ما هر روز از آن استفاده می‌کنیم ساختارهای ناخودآگاهی وجود دارد و زبان‌شناسان علاقه‌مندند این ساختارها را بشناسند. اما اصولاً زبان‌شناسان خیلی با نوشتار سروکار ندارند، مگر اینکه موضوع، تاریخ زبان باشد و فقط مدارک نوشتاری در دسترس ما قرار داشته باشد. پیش از آنکه متنی بنویسیم، بسیار به موضوع آن فکر می‌کنیم. احتمال اینکه افراد مختلفی نوشتۀ ما را بخوانند و از فیلترهای گوناگون رد شود زیاد است؛ به همین دلیل بسیار دشوار است که آن را فقط به شم زبانی یک نفر در یک لحظه نسبت دهیم. اما متنی که در اینترنت نوشته می‌شود فرق می‌کند؛ این متن ویرایش نشده و از فیلتری عبور نکرده است و در کمال زیبایی، پیش‌پالافتاده است. همان‌گونه که در هر فصل این کتاب، چیزهای جدیدی کشف می‌کنیم، وقتی ساختارهای پنهان زبان نوشتاری اینترنتی را تحلیل می‌کنیم، می‌توانیم مطالعه بیشتری دربارهٔ زبانمان بیاموزیم.

\*\*\*

نوشته‌های اینترنتی کاربردی نیز هستند چراکه تحلیل گفتار بسیار دشوار است. نخست، به محض آنکه گفتار بر زبان جاری می‌شود، ناپدید می‌شود و اگر شما در حال یادداشت‌برداری باشید، ممکن است نکاتی را فراموش کنید یا متوجه همهٔ چیز نشوید. به همین دلیل، می‌خواهید صدا را ضبط کنید، اما مشکل دیگری به وجود می‌آید: شما باید مردم را به استودیو ببرید یا با یک ضبط‌صوت به این طرف و آن طرف بروید. وقتی صدایها را ضبط کردید، با مشکل سوم روبرو می‌شوید: پردازش کردن. تقریباً یک ساعت کار حرفه‌ای لازم است تا یک دقیقه از صدای ضبط شده به صورت نوشتاری دربیاید که به درد تحلیل زبان‌شناختی بخورد: نوشنن نکات مهم، بازنگری

و افزودن اطلاعات جزئی آشنایی، جدا کردن بخش‌های مختلف و تحلیل بسامدهای آوایی یا ساختار جمله. بسیاری از فارغ‌التحصیلان پرتلاش زبان‌شناسی سال‌ها عمر خود را صرف انجام چنین کار پرمرارتی کرده‌اند: در جستجوی پاسخ چند پرسش انگشت‌شمار. اجرای این شیوه در مقیاس بزرگ، کار دشواری است. در همین حین، با مشکل چهارم مواجه می‌شوید: مصاحبه‌شونده‌های شما احتمالاً همان‌گونه که با دوستی حرف می‌زنند با پژوهشگر صحبت نخواهند کرد. می‌خواهید در عوض زبان اشاره را بررسی کنید؟ به جای تجزیه و تحلیل صدا که تک‌بعدی است، حالا شما با ویدئو سرو کار دارید که دو بعدی است. می‌خواهید یک مرحله را رد کنید و از صدای از پیش ضبط شده استفاده کنید؟ برایتان آرزوی موفقیت می‌کنم: بیشتر آن‌ها اخبار، نمایش و فایل‌های صوتی رسمی هستند.

پیش از فراغیر شدن اینترنت نیز مشکلاتی برای بررسی نوشتار غیررسمی وجود داشت. این بررسی‌ها روی نامه‌ها، دفتر خاطرات و نوشته‌های روی کارت‌پستان‌ها انجام می‌شد. زمانی که این کاغذها به بایگانی سپرده می‌شدند، دیگر دهه‌ها سال بود که در جعبه‌ها مانده و پوسیده بودند و البته، باید برای بررسی، پردازش نیز می‌شدند. سر درآوردن از دست‌نوشته‌های قدیمی، آن هم وقتی روی کاغذهای نازک نوشته شده‌اند، فقط اندکی آسان‌تر از مستندسازی فایل‌های صوتی است. بررسی‌هایی که روی نامه‌های دورهٔ ویکتوریا<sup>۱</sup> و نسخه‌های خطی قرون وسطاً صورت گرفته است به مانشان می‌دهد که یک واژهٔ خاص قدیمی‌تر از چیزی است که ما تصور می‌کردیم یا اسنادی که ثابت می‌کند طرز تلفظ واژه‌ها با توجه به املای منحصر به‌فردشان تغییر کرده است. ولی ما نمی‌خواهیم بررسی‌هایمان دربارهٔ زبان انگلیسی امروز را به یک دورهٔ ۵۵ ساله محدود کنیم که در آن فقط نوشته‌های مغرضانه افراد مشهوری بررسی شود که کاغذهایشان را به بایگانی سپرده‌اند. اما اگر نوشته‌های جدیدتری بخواهیم، دوباره با مشکل ترغیب کردن مردم به نوشتمن روبه‌رو خواهیم شد؛ برای مثال، اینکه مردم برای پژوهش ما متن کارت‌پستان

۱. دوره حکومت ملکه ویکتوریا که دوره اوج انقلاب صنعتی و اوج قدرت امپراتوری بریتانیا بود.

بنویسند و ما هم امیدوار باشیم آن‌ها خیلی حواسشان به این موضوع نباشد که پژوهشگران نوشه‌هایشان را می‌خوانند.

از خوش‌شانسی ما، کار کردن با زبان اینترنتی به دو دلیل آسان‌تر است: اول اینکه متن خودش دیجیتال است و دوم اینکه کسی آن را تحت نظر ندارد و احتمال دست کاری در آن کمتر است، زیرا بخش زیادی از آن متن‌ها را عموم مردم می‌توانند ببینند مثل توئیت‌ها، نوشه‌های وبلاگ‌ها و ویدئوها. با این حال، پژوهشگران متن‌های اینترنتی باید مسائل اخلاقی کار با اطلاعات زبان‌شناختی را در نظر بگیرد، با اینکه این اطلاعات عملاً در اختیار عموم قرار دارند و اگر متنی فارغ از زمینه اصلی و اولیه انتشار یابد، ممکن است باعث خجالت‌زده شدن نویسنده‌گان آن شود یا به آن‌ها آسیبی برساند. حتی انجام دادن پژوهش‌هایی درباره زبان محاوره یا درخواست از مردم برای اینکه آرشیو پیام‌های خصوصی شان را در اختیار ما قرار دهند در فضای مجازی آسان‌تر شده است. زبان‌شناسی اینترنتی فقط مطالعه میم‌های بسیار جدید، جالب و جذاب نیست: زبان‌شناسی اینترنتی نگاه عمیق‌تری به زبان روزمره‌ای دارد که ما تاکنون توجه چندانی به آن نداشتیم. زبان‌شناسی اینترنتی با نگاهی نوبه پرسش‌های زبان‌شناسی کلاسیک می‌نگرد؛ برای مثال، واژه‌های جدید چگونه فراگیر می‌شوند؟ مردم کی این واژه را در گفتار خود به کار می‌گیرند؟ کجا آن واژه را بر زبان می‌آورند؟

\*\*\*

اکنون یک کتاب خوب یافته‌ام، چند ویدئوی تد تاک<sup>۱</sup> تماشا کرده‌ام، به خوبی می‌دانم که ساعتها کار تخصصی صرف این امر می‌شود که افکار، با ظرافت و زیبایی، در قالب زبان رسمی بیان شود و این شایسته تحسین بسیار است. اما ادبیات و فن بیان همیشه تحسین شده‌اند. در جایگاه یک زبان‌شناس، آنچه من را مشتاق پژوهش می‌کند، بخش‌هایی از زبان است که ما حتی نمی‌دانیم در به کارگیری آن‌ها مهارت بسیاری داریم؛ مانند ساختارهایی که در لحظه ساخته می‌شوند، وقتی که ما واقعاً حتی به آن‌ها فکر هم نمی‌کنیم.

حتی وقتی انگشتانتان را بی هدف روی صفحه کلید فشار می دهید تا احساس بسیار شدیدی را بیان کنید که در قالب واژه ها نمی گنجد، ناخودآگاه، ساختاری وجود دارد. احتمالاً حرکت انگشتان شما عبارتی مانند «asdljklgafdljk» یا «asdkfjas;dfl» را تایپ می کند. این عبارت نامفهوم کاملاً با زمانی که برای مثال، گربه ای از روی صفحه کلید رد می شود، فرق دارد؛ در آن حالت ممکن است این عبارت تایپ شود: «tfggggggggggggggggggggsgsxdzzzzzzz» در این حرکت که ما به آن «کلیدبازی»<sup>۱</sup> می گوییم، چنین ساختارهایی را خواهیم دید:

- تقریباً همیشه با حرف «a» آغاز می شود.
- اغلب با «asdf» آغاز می شود.
- حروف رایج بعدی ا، j، g، h، k، و نشانه «;» هستند، اما کمتر با این ترتیب ظاهر می شوند و بیشتر جایگزین یکدیگر یا تکرار می شوند.
- بیشترین حروفی که نوشته می شوند کلیدهای «ردیف خانه»<sup>۲</sup> هستند که انگشتانتان در حالت استراحت روی آنها قرار دارند، که نشان می دهد آنها ای که اهل کلیدبازی اند می توانند بدون نگاه کردن هم تایپ کنند.
- اگر حروفی بهغیر از حروف ردیف وسط ردیف خانه نوشته شود، احتمال اینکه از حروف ردیف بالا (qwe...) باشند، بیشتر است تا حروف ردیف پایین (zxc....).
- معمولاً همه نویسه های تایپ شده حروف کوچک یا بزرگ اند و بهندرت اعداد را شامل می شوند.

البته علت ایجاد چنین ساختارهایی این است که ما روی ردیف خانه صفحه کلید کوئرتی<sup>۳</sup> ضربه می زنیم و از دستگاه هایی که حروف را تصادفی انتخاب می کنند استفاده نمی کنیم، اما انتظارات اجتماعی ما این ساختارها را تقویت می کند. من

1. Keystash

2. کلیدهای ردیف خانه عبارت اند از: J-K-L و A-S-D-F  
 3. رایج ترین نوع چیدمان صفحه کلیدهای انگلیسی است که کلیدهای QWERTY در ردیف بالا از چپ به راست قرار گرفته اند.

پژوهشی غیررسمی انجام دادم و از مردم پرسیدم که اگر کلیدبازی‌شان به اندازه کافی خوب از آب درنیاید، آیا آن را دوباره می‌نویسند. گروهی از افراد روی این مسئله حساس نبودند و پس از کلیدبازی، هر نوشته‌ای را که تایپ می‌شد، به اشتراک می‌گذاشتند؛ اما من فهمیدم که اکثر مردم اگر از ظاهر عبارت تایپ شده خوششان نیاید، آن را پاک می‌کنند و دوباره می‌نویسند. علاوه بر آن، عده بسیاری هم چند تا از حروف را تغییر می‌دهند. همچنین از چند نفری که از صفحه کلید دواراک<sup>۱</sup> استفاده می‌کردند که ردیف خانه آن به جای ASDF با حروف صدادار آغاز می‌شود، شنیدم که آن‌ها دیگر به خودشان رحمت کلیدبازی نمی‌دهند، چون چینش آن‌ها از نظر دیگران ناخوانا به حساب می‌آید. با این حال، کلیدبازی ممکن است تغییر کند: من عبارت دیگری را یافتم که بیشتر شبیه «gbghvjbfbfghchc» بود تا «asafjlskfjlskf». این نوع کلیدبازی در اثر ضربه انگشت شست روی صفحه کلید تلفنهای هوشمند شکل می‌گیرد.

موضوع فقط این نیست که ما ساختارها را ایجاد می‌کنیم، بلکه حتی زمانی که ما تلاش نمی‌کنیم ساختارها را تولید کنیم، زمانی که فکر می‌کنیم که تنها چند میلیارد میمونی هستیم که بی‌هدف روی چند میلیارد صفحه کلید ضربه می‌زنیم، در حقیقت، میمون‌هایی اجتماعی هستیم که کاری جز فهمیدن منظور یکدیگر واکنش نشان دادن به آن از دستمن برمی‌آید. حتی زمانی که چیزی برای یک غریبه نامفهوم به نظر می‌آید، حتی وقتی برای یک آشنا نیز نامفهوم است، ما انسان‌ها عملأ هنوز قادر نیستیم کارها را بدون ساختار انجام دهیم. هدف من از نوشتن کتابم این است که به شما نشان دهم بعضی از این ساختارها چه هستند، بررسی کنم که چرا در قالب چنین ساختارهایی قرار می‌گیرند و به شما ابزاری ارائه دهم تا از طریق آن از چشم کسی به زبان اینترنت و دیگر مباحث زبان‌شناسی نوین نگاه کنید که به دنبال ساختارهاست.

\*\*\*

۱. Dvorak: نوعی چیدمان صفحه کلید انگلیسی است که اولین بار آگوست دواراک و ولیام دیلی آن را طراحی کردند و بعدها مؤسسه ملی استاندارد آمریکا، تغییرات کوچکی در آن اعمال کرد.

هر قدر هم که از نظر زمانی وقفه بیفتد، رشد سریع نوشتار غیررسمی دارد نحوه برقراری ارتباط ما با دیگران را تغییر می‌دهد. آن قواعدی که ما در نوشنود کتاب‌ها و متن روزنامه‌ها رعایت می‌کنیم، برای پیام‌ها، گپ‌وگفته‌ها و پست‌های شبکه‌های اجتماعی مناسب نیست. تصور کنید اگر فقط تک‌گویی‌های تلویزیون را در قالب نوشتاری دیده بودید، مکالمات روزمره چقدر برایتان عجیب می‌شد! اما کم‌وبیش نحوه کارکرد گفتار غیررسمی را می‌دانیم. قرن‌هاست که داریم این کار را انجام می‌دهیم، ابتدایی ترین موضوعی که مطالعات زبان‌شناسی، آن هم بیشتر تحت عنوان ادبیات و بلاغت، بررسی می‌کند گفتار و نوشتار رسمی است. اما ترکیب نوشتار و محاوره نادیده گرفته شده است و این بخش دقیقاً همان نقطه‌ای است که نوشتار اینترنتی پیشی می‌گیرد. جایگاه نوشتار اینترنتی در میان این کمیت‌های آشنا کجاست؟

نوشتاری	گفتاری	
پیام‌ها، گپ‌وگفته، شبکه‌های اجتماعی، خاطرات، یادداشت‌ها	گفت‌وگوها، صحبت کردن با خود ...	غیر رسمی
کتاب‌ها، مقالات، وبسایت‌های ایستا	سخنرانی‌ها، برنامه‌های رادیو و تلویزیون، نمایش	رسمی

می‌توان از نظر کارایی نیز نوشتار غیررسمی را مورد بررسی قرار داد. در زبان‌ها، واژه‌های کوتاه، رایج‌تر هستند و درباره جمله اطلاعات محدودی را در اختیار ما می‌گذارند، درحالی که واژه‌های بلندتر، کمتر در جمله به کار می‌روند و اطلاعات بیشتری را ارائه می‌دهند. واژه انگلیسی «of» و «rhinoceros»<sup>۱</sup> را در نظر بگیرید، مشخص است که «of» واژه رایج‌تری است و نیز کوتاه‌تر است؛ توالی مصوتی ساده به علاوه صامت که می‌تواند یه یک مصوت خنثای تنها هم کاهش یابد. مانند واژه‌های «sorta» یا «outta»<sup>۲</sup>. واژه «Rhinoceros» بلندتر و بیانگر اطلاعات بیشتری است: اگر شما ناگهان واژه «rhinoceros» را بشنوید، تقریباً می‌توانید تصوری فیزیکی از آن داشته باشید و اگر هم اتفاقی حذف شود، مثلًاً در جمله

۱. کرگدن

۲. صورت‌های مخفف «sort of» و «out of»

»I am fond of this \_\_\_\_\_« گیرند. اینکه ناگهانی واژه «of» را بشنوید، تقریباً بی معناست، و اگر هم اتفاقی حذف شود («this rhinoceros - I am fond»)، شک نکنید که آن واژه باید آنجا قرار بگیرد. حیف است که واژه تک‌هایی، چندکاربردی و کوتاه «of» را بهای مفهوم نه‌چندان آشنای حیوان سُمم‌داری با انگشت‌های عجیب و غریب استفاده کنیم. همچنین، اگر ما معنی «of» را برای رشته‌ای از صداها به طول واژه «rhinoceros» در نظر بگیریم، در کارکرد آن مشکل ایجاد می‌شود. فقط در همین فصل، واژه «of» بیشتر از صد بار به کار رفته است و اگر آن را پنجم برابر بلندتر کنیم، فقط آوایش طولانی‌تر می‌شود و معنایش همچنان دست‌نخورده باقی می‌ماند!

بسامد چیز ثابتی نیست: واژه «rhinoceros» تقریباً در قرن چهاردهم وارد زبان انگلیسی شد، اما وقتی حضور این حیوان در زندگی انگلیسی‌ها رایج شد، تا ۱۸۸۴ آن را کوتاه و به «rhino» تبدیل کردیم، واژه «Rhino» آن تفاوت را زیاد می‌برد. این واژه به کوتاهی «of» نیست، با این حال نگهبان باع وحش هم «of» را بیشتر به کار می‌برد. در واقع، حیوانات ناشناسی مثل اکسولوتل<sup>۲</sup> (نوعی سمندر مکزیکی) یا وندرپوس فتوژنیکوس<sup>۳</sup>، (نوعی هشت‌پا که درست مثل اسمش بسیار خوش‌عکس است) اسم مستعاری برای استفاده روزمره ندارند. البته منظظم همین روزها از انجمن محققان اکسولوتل و وندرپوس فتوژنیکوس<sup>۴</sup> (ARAWP) خبرهایی بشنوم و آن‌ها به من اطلاع دهنده‌اند چون از این نام‌ها زیاد استفاده می‌کنند، واژه‌های کاربردی‌تری برایشان ساخته‌اند.

گاهی کارایی در گفتار و نوشتار به یک اندازه است، مثل واژه «of» و «rhinoceros»: حروف بیشتر روی صفحه برابر است با صدایی بیشتر در دهان. در موارد دیگر، گفتار و نوشتار راه‌های جداگانه‌ای را در پیش می‌گیرند. در گفتار، معمولاً با حذف هجاهای غیرضروری یا یکی کردن صداها با هم، استفاده از زبان را آسان‌تر می‌کنیم،

۱. من — را خیلی دوست دارم.

2. Axolotl

3. Wunderpus photogenicus

4. Association for Researchers of the Axolotl and the Wunderpus Photogenicus

حتی اگر بتوانیم آن‌ها را بنویسیم، ما واژه‌ها را بدون توجه به شکل نوشتاری آن‌ها کوتاه می‌کنیم؛ شما می‌توانید هجای اول واژه‌های «usual»<sup>۱</sup> و «casual»<sup>۲</sup> را بگویید و همه منظور شما را می‌فهمند، اما موقع نوشتمن، آیا می‌نویسید «uzh»<sup>۳</sup>، «yooj»<sup>۴</sup>، «cash»<sup>۵</sup> یا «casj»؟ معنی این واژه‌ها مشخص نیست، اما گفتار به هر نحوی که شده راهش را پی می‌گیرد. نمونه‌های بارزتری هم وجود دارد، مثلاً اینکه انگلیسی‌ها چگونه عبارت «I do not know» را روان بیان می‌کنند. مانسل‌ها آن را به این صورت گفته‌یم، حالا زمان زیادی گذشته و دیگر تبدیل به «I don't know» و «I dunno» شده است و حتی تبدیل به آوایی سه‌گانه «uh – uh – mm» یا «I dunno – hm – mm»، تبدیل به آهنگ پایین-بالا-پایین «I dunno». تلفظ «I dunno» راحت‌تر از «I do not know» است، اما نوشتمن آن خیلی کوتاه‌تر نیست، با این حال مابعضی وقت‌ها آن را به این صورت می‌نویسیم تا حالت گفتاری داشته باشد. تولید آن آوای آهنگین سه‌گانه بسیار آسان است، شما می‌توانید این صدا را با دهانی پراز ساندویچ تولید کنید؛ اما به کار نوشتار نمی‌آید و به توضیح و تفسیر بسیار نیاز دارد. ما همچنین سعی می‌کنیم که سرعت انتقال اطلاعات را افزایش دهیم؛ واژه‌های پیش‌بینی‌پذیر را بسیار سریع‌تر و واژه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر را بسیار آرام‌تر به زبان می‌آوریم. یکی از پژوهش‌ها نشان می‌داد که گویشوران واژه «mind» را در جمله «Mama, you've been on my mind»<sup>۶</sup> تقریباً سریع تلفظ می‌کنند، چون به لطف یکی از آهنگ‌های معروف باب دیلن<sup>۷</sup> که بارها بازخوانی شده است، می‌توانند این واژه را پیش‌بینی کنند. اما در یکی از گفته‌های نه‌چندان معروف ارسطو یعنی واژه را پیش‌بینی کنند. اما در یکی از گفته‌های نه‌چندان معروف ارسطو یعنی «paid jobs degrade the mind»<sup>۸</sup> گویشوران واژه «mind» را بسیار آهسته‌تر تلفظ می‌کنند (البته، اگر شما طرفدار پروپاقرص ارسطو هستید و تا حالا اسم باب دیلن به گوشتان نخورده است، ممکن است عکس این قضیه برایتان صدق کند).

۱. به معنای «معمول» که به شکل /ju:zneɪəl/ تلفظ می‌شود.

۲. به معنای «غیرجذی» که به شکل /kæzneɪəl/ تلفظ می‌شود.

۳. مامان، همیشه توی فکرم بودی.

4. Bob Dylan

۵. کاری که در ازای پول صورت گیرد، فکر را فرسوده می‌کند.

در نوشتار، مامعمولاً بانتخاب تنها چند حرف مهم یا کنار هم قرار دادن نشانه‌هادر قالبی جدید، کاربرد زبان را آسان‌تر می‌کنیم، حتی اگر آنچه به دست می‌آید را نتوانیم تلفظ کنیم. مفاهیمی که با اختصار نوشته می‌شوند یا برایشان سروازه‌سازی صورت می‌گیرد، برای چیزهایی استفاده می‌شوند که مردم می‌خواهند همیشه آن‌ها را در نوشتار به کار ببرند. رومیان فهمیده بودند بسیار آسان‌تر است که روی سکه‌ها و مجسمه‌ها به جای عبارت کامل «Senatus Populusque Romanus»<sup>۱</sup> تنها سروازه‌های آن یعنی SPQR را بنویسند. کاتبان قرون وسطاً واژه‌های رایج را با یکدیگر ترکیب می‌کردند و نشانه‌های جدیدی می‌ساختند مثل & و٪. در عصر نوزایی علاقه به متون کهن و علمی شدت گرفت و نظریه پردازان عبارات لاتین را به اختصار درآوردند، مانند تعجب، دوران حقیقی و طلایی سروازه‌سازی‌ها همین اواخر آغاز شده است. خود واژه «سروازه»<sup>۲</sup> در ۱۹۴۰ وارد زبان انگلیسی شد و سروازه‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که مانند یک واژه تلفظ می‌شوند نه مجموعه‌ای از حروف، طی جنگ جهانی دوم، زمانی که سربازها از سروازه‌هایی مانند WAAF، AWOL، snafu و radar استفاده می‌کردند، فراگیر شدند. پس از جنگ، سروازه‌ها همچنان رو به فزونی هستند، به‌ویژه برای سازمان‌ها، کشفهای جدید و اسلامی دیگر: AIDS، NASA، NATO، laser، NAACP، UNICEF، OPEC، UNESCO، Eniac، FIFA، NASDAQ و FDR... این ساختارها برای نوشتار کوتاه‌تر هستند، اما لزوماً برای گفتار مناسب نیستند، اگرچه ما گاهی اوقات وقتی در حال صحبت کردن درباره موضوعی خاص هستیم از آن‌ها استفاده می‌کنیم؛ گفتن «ampersand»<sup>۳</sup> و «World Wildlife Fund»<sup>۴</sup> در مقایسه با «and» و «WWF» زمان بیشتری می‌برد. سروازه‌های تخصصی، نوشتار را شبیه یک حوزه رسمی نشان می‌دهند، در واقع با استفاده از سروازه‌ها، کارایی شیوه‌های رسمی و نام‌های طولانی به حداقل می‌رسد.

۱. مجلس سنا و مردم

۲. در همان منبعی که پیش‌تر ذکر شد.

۳. acronym

۵. صندوق جهانی طبیعت

۴. نام علامت «&» که به معنی «و» است.

اینترنت برای برخی از اصطلاحات تخصصی، مثل url، jpeg، html یا سروازه‌سازی کرده است؛ اما بسیاری از چیزهایی که مانع نویسیم غیررسمی و محاوره‌ای‌اند. امروزه به جای اصطلاحات تخصصی، بیشتر از عبارت‌های محاوره‌ای رایج برای ساختن نوع جدیدی از سروازه‌های اجتماعی استفاده می‌شود. برای مثال، از (btw) (by the way)<sup>۱</sup> کمتر و از (BAC) (blood-alcohol content)<sup>۲</sup> بیشتر استفاده می‌شود، از (OBA) (Order of the British Empire)<sup>۳</sup> کمتر و از (omg (oh my god))<sup>۴</sup> بیشتر استفاده می‌شود، از (ALX) (کد فرودگاه لس‌آنجلس) کمتر و از (lol (در اصل «laughing out loud»)<sup>۵</sup> اما در حال حاضر معنای پیچیده‌تری دارد که در فصل سه درباره آن صحبت خواهیم کرد) بیشتر استفاده می‌شود. فکر می‌کنم این امر چنان اخلاقی نباشد که بخواهیم تنها عرف رسمی را دنبال کنیم و کاربرد معمول واژه‌ها را در کتابی که کاملاً در این‌باره است نادیده بگیریم. به همین دلیل، تصمیم گرفتم سروازه‌های اینترنتی و اجتماعی را با حروف کوچک و بیشتر سروازه‌های تخصصی را با حروف بزرگ بنویسم، چون مردم در اینترنت عمدتاً زمانی که می‌خواهند نشان دهنده فریاد می‌زنند از LOL و OMG استفاده می‌کنند.

سرروازه‌های اینترنتی نمونه بسیار خوبی از تقابل نوشتار و محاوره است. صورت ظاهری سروازه‌ها از بعد نوشتاری گرفته می‌شود: سروازه‌ها تعداد حروفی را که می‌نویسید کاهش می‌دهند، البته ضرورتاً تغییری در تعداد هجاهایی که ادامی کنید ایجاد نمی‌کنند. به بیانی دیگر، «I dunno» در گفتار به کار می‌رود، در حالی که «idk» در نوشتار کاربرد دارد. کارکرد آن‌ها از بعد محاوره‌ای نشئت می‌گیرد: این عبارت‌ها اصطلاحات شخصی ما برای بیان احساسات و عقایدمان هستند، مانند «just so you know»، «what the fuck»، «today I learned»، «I don't know».

۲. به هر حال

۴. وای خدای من

۶. نمی‌دانم

۸. گندش بزنند

۱. میزان الکل خون

۳. نشان امپراتوری بریتانیا

۵. خنده‌یدن با صدای بلند

۷. همین امروز شنیدم

۹. فقط برای اینکه بدانی

سروازهای تخصصی، نسخه بلند و نسخه کوتاه واژه‌ها هم‌زمان شکل می‌گیرند؛ گاهی هدفمن این است که ببینیم حروف ابتدایی یک عبارت چگونه در قالب یک سروازه کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. در عوض، سروازهای اجتماعی از عبارتهایی ساخته می‌شوند که دیگر رایج شده‌اند: بی‌شک یکی از نشانه‌های زبان‌شناسی اینترنتی نامناسب<sup>۱</sup> EIAFUP (Elaborate Invented Acronyms for Uncommon Phrases) است. ما نمی‌توانیم کارآمدی سروازه‌ها را به حداکثر برسانیم؛ اما گاهی وقتی می‌خواهیم نوشتارمان به‌گونه‌ای باشد که گفتار را برانگیزد، واژه‌ها را به صورت گفتاری می‌نویسیم، یا وقتی می‌خواهیم گفتارمان به‌گونه‌ای باشد که نوشتار را برانگیزد، در گفتارمان از سروازه‌ها استفاده می‌کنیم. کارآمدی فقط به این نکته اشاره دارد که کجا و چگونه مخفی خاص شکل گرفته است.

\*\*\*

نمونه‌ای دیگری از اینکه اینترنت چگونه نوشتار و حالت محاوره‌ای را در هم می‌آمیزد، استفاده‌ما از صورت‌های بصری است. در گفت‌وگوهای روزمره، ما معمولاً در تاریکی مطلق قرار نداریم، پشت‌به‌هم یا با دست‌هایی بسته در پشتمن، کیسه‌های کاغذی روی سرمان و با صدایی ربات‌گونه و یکنواخت. می‌خواهیم بگوییم، شما این‌گونه هم می‌توانید پیامی را دریافت کنید، اما چیزهایی را از دست خواهید داد. ما معمولاً سر و دست‌هایمان را تکان می‌دهیم؛ دفعه‌بعدی که در جمعی قرار گرفتید، به گروههای مختلف نگاه کنید و ببینید که چگونه می‌توانید با دیدن حرکات دست و سر افراد تشخیص دهید که چه کسی در حال صحبت کردن است. ما از حرکات دست و سر و لحن صدابرای تقویت پیاممان استفاده می‌کنیم یا لایه معنایی دیگری به آن می‌افزاییم؛ «Good job!»<sup>۲</sup> به همراه انگشت شستی روبه بالا نشان صداقت و صمیمیت است، اما اگر با چرخاندن چشم‌ها همراه باشد، طعنه‌آمیز خواهد بود.

۱. ناجایی که من می‌دانم

۲. به نظر من

۳. سروازهای ابداعی بیچیده برای عبارتهای نه‌چندان رایج

۴. وقتی حس می‌کسی

۵. ای والله

در گفتار رسمی، که و بیش از حرکاتی با سبکی مشخص استفاده می‌شود. خبرنگاران تلویزیونی ممکن است به نقشهٔ هواشناسی اشاره کنند یا چند تکه کاغذ رازیر و رو کنند؛ اما معمولاً دستهایشان بی‌حرکت باقی می‌ماند و صورتشان نه هالتی خیلی جدی دارد و نه خیلی بشاش است. آن‌ها دستانشان را چندان تکان نمی‌دهند، چشمانشان را در حدقه نمی‌چرخانند یا خنده‌های پرسروصدا نمی‌کنند. معمولاً به افرادی که می‌خواهند در جمع صحبت کنند توصیه می‌شود که از میزان حرکات طبیعی بدنشان بکاهند. اصل مفید برای بهترشدن سخنرانی تان در جمع این است که ویدئوی اجرای خودتان را ببینید، درنتیجه می‌توانید متوجه حرکات تکراری تان شوید و تعداد آن‌ها را کاهش دهید. در هر دو حالت، معمولاً از شانه به پایین فرد دیده نمی‌شود، چه جلوی دوربین چه پشت میز خطابه، درنتیجه حتی اگر آن‌ها دستهایشان را هم تکان دهنند ما نمی‌توانیم ببینیم. مدت‌هاست که مردم دستهای از حرکات رسمی را به یکدیگر پیشنهاد می‌کنند: کوئنطیلی<sup>۱</sup>، سخنور رومی، به سخنرانان توصیه می‌کند که از حرکات مقبول مثل اشاره، تحسین، تعجب، عدم پذیرش، یقین، دادخواهی و دیگر حرکاتی که «به‌طور طبیعی و هم‌زمان با ادای واژه‌ها از ماسر می‌زند» استفاده کنند، اما بیان صامت و سایر تلاش‌های شبیه به آن که برای نشان دادن بار معنایی واقعی واژه‌ها استفاده می‌شود مختص صحنه نمایش است و نه دادگاه‌های حقوقی.

نوشتن نوعی فتاوری است. صحبت کردن و خواندن فقط به جسم ما و انرژی‌ای که به آن تزریق می‌کنیم نیاز دارد و ما هرگز جامعه‌ای را بدون یک یا هر دو این دو عامل ندیده‌ایم. اما نوشتن، علاوه بر جسم، به عامل دیگری نیاز دارد: حتی اگر شما با خون خودتان روی دستان بنویسید، باید برای این کار خراشیدگی‌ای روی پوستتان ایجاد کنید، درنتیجه خون تبدیل به ماده‌ای خارجی خواهد شد. بنابراین، نظامهای نوشتاری تا حد زیادی تحت تأثیر ابزاری هستند که برای نوشتن در دسترس قرار دارد: گندن یک خط صاف روی چوب یا سنگ آسان‌تر است، اما

1. Quintilian

حرکت دورانی و کشیدن دایره با جوهر آسان تر است. آشکالی که در کنار نوشته‌های ما پدیدار می‌شوند نیز ابزار در دسترس را نشان می‌دهند. در قرون وسطاً تذهیب نقش و نگار روی پوست گوساله‌ها و با ماده‌هایی رنگی که از سوสک‌های زمینی یا سنگ‌ها ساخته شده بودند نوشته می‌شد. برای نقاشی‌های چاپی، نقش را روی چوب کنده کاری می‌کردند، سپس قسمت‌های برجسته را جوهر می‌زدند و با مهر ساخته شده نقشی را روی کاغذ می‌انداختند. دوربین‌های عکاسی روزنه‌سیار کوچکی از نور را با ترکیبات نقره روی نوار فیلم قرار می‌دادند. در هر موقعیتی، ایجاد بعضی از رنگ‌ها و شکل‌ها آسان تر از سایر چیزها بود.

نوشتار رسمی مانند گفتار رسمی از اصل خودش جدا شده است. دقیقاً همان طور که از گوینده خبر انتظار داریم که فقط انتقال دهنده خبر باشد و نه تولیدکننده آن، صورت‌های نوشتار رسمی نیز تنها محتوای کلام را بیان می‌کنند و کاری به نویسنده اثر ندارند. صورت‌های رسمی گاهی اطلاعاتی را در اختیار ما قرار می‌دهند، مثل جدول‌ها و نمودارها، گاهی تاریخچه‌ای را نشان می‌دهند، مانند نقشه‌ها و تصاویر و برخی مواقع زیبا و چشم‌نواز هستند و داستان‌هایی را بازگو می‌کنند، مانند شیشه‌های رنگ‌آمیزی شده و کتاب‌های تصویری.

مسئله جالب درباره نوشتار غیررسمی این است که وقتی ما به این فناوری دست یافتیم که هر تصویری را به هر جایی بفرستیم، از این امکان برای برگرداندن زبان بدنمان به نوشته‌هایمان استفاده کردیم، برای معنا بخشیدن به اینکه چه کسی دارد صحبت می‌کند و اینکه هنگام صحبت کردن چه حس و حالی داریم. ایموجی‌ها را در نظر بگیرید، تصویرهای کوچکی که به پیام‌های ما جان می‌بخشنند. هزاران نوع از این ایموجی‌ها وجود دارد، از حیوانات گرفته تا غذاها، طبیعت، وسائل خانگی و محل کار. با این حال ایموجی‌های بسیار پرکاربرد، ایموجی‌های دست و صورت هستند مثل لبخند، صورتی که از شدت خنده اشک از چشمانش جاری شده، انگشت شست روبه بالا و علامت قرار گرفتن دو انگشت روی هم به حالت ضربیدر. ما از ایموجی‌ها کمتر برای توصیف جهان اطرافمان

استفاده می‌کنیم و بیشتر آن‌ها را برای نشان دادن حس و حال واقعی خودمان به کار می‌بریم.

از گیف‌های نیز به همین شکل استفاده می‌کنیم. از لحاظ نظری، شما می‌توانید هر تصویری را در یک لوپ هشت‌فِریمی متحرک قرار دهید. در دهه ۹۰، برای عذرخواهی بابت خالی بودن قسمت‌هایی از صفحه‌های اصلی وب‌سایت‌ها، مردم از گیف‌های برفکی متحرک «در حال ساخت» استفاده می‌کردند که با کلاه‌های اینمی و محروم‌طهای نارنجی تربیین شده بود. در عمل، گیف‌های دهه ۲۰۱۰، گیف‌های واکنشی هستند: تصاویر متحرک و بی‌صدایی از افراد، حیوانات و شخصیت‌های کارتونی که حرکات خاص و پرمغناطی انجام می‌دهند و واکنش‌های بدن شما را در آن موقعیت‌ها بیان می‌کنند. این گیف‌ها نشان می‌دهند که شما در حال حاضر می‌خندید، دست می‌زنید یا با سردرگمی به این طرف و آن طرف نگاه می‌کنید، دقیقاً مثل تصویر گیف مورد نظر. تصور اولیه از فضای مجازی براین اساس بود که ما می‌خواهیم مجسمه‌های سه‌بعدی کوچکی از خودمان بسازیم تا در فضای مجازی با یکدیگر تعامل داشته باشیم. اما مشخص شد، چیزی که واقعاً به دنبالش بودیم، پوشاندن تصویر نمادینمان با یک لباس دیجیتالی خیالی نبود و ما بیشتر به دنبال نشان دادن افکار و احساساتمان بودیم. ما می‌توانیم برای این کار ابزارهای بسیار متنوعی را به کار گیریم، از سروازه‌ها گرفته تا ایموجی‌ها و نشانه‌گذاری‌ها.

نخستین نظام‌های نوشتاری، تا حد زیادی، از محدودیت‌های ایشان آگاه بودند. این نظام‌ها تنها واژه‌هایی را می‌نوشتند، که صرفاً به حافظه خواننده کمک می‌کرد، خواننده باید هنگام ادا کردن دوباره به آن‌ها جان می‌بخشید. به تدریج، طی قرن‌ها، ما علائم نگارشی و دیگر نشانه‌های چاپی را به نظام‌های نوشتاری افزودیم. و نکته مهم دیگر اینکه ما از متن نوشتاری انتظار ظرافت بیشتری داشتیم: ما نوشتار را چیزی در نظر گرفتیم که می‌توانست گفتار و جریان سیال ذهنی را واژه به واژه بازگو کند، حتی با اینکه اکثر ما در حال خواندن آن بودیم تا نوشتمن. اینترنت غایت جریانی بود که کتابخانه‌های قرون وسطاً و شاعران نوگرا آغاز کرده بودند و همهٔ ما را تبدیل

به نویسنده و همچنین خواننده کرد. ما دیگر نمی‌پذیریم که نوشتار باید بی‌جان باشد، اینکه تنها می‌تواند لحن صدای ما را به صورت تقریبی و نادرست برساند یا اینکه نوشتمن متون پیچیده تنها مختص حرفه‌ای‌هاست. ما قوانین جدیدی را برای حالت چاپی صدا می‌سازیم. این قوانین از آسمان نازل نشده است، بلکه قوانینی است که از اعمال جمعی میلیارد‌ها میمون اجتماعی سرچشمه گرفته؛ قوانینی که به تعاملات اجتماعی ما جان می‌بخشد.

\*\*\*

در این دنیا، همه‌چیز در حال تغییر است، ممکن است اوضاع بهتر شود یا بدتر. تحول ادامه‌دار زبان نه راه حلی برای رفع همه مشکلات ماست و نه باعث و بانی آن‌ها. بسیار ساده است؛ شما هرگز دو زبان انگلیسی مشابه را نخواهید یافت. وقتی مورخان آینده تحولات زبانی دوره ما را بررسی می‌کنند، به همان اندازه که اکنون واژه‌های خلاقانه آثار شکسپیر، لاتین و فرانسوی نورمانی<sup>1</sup> برای ما جذاب است، تغییرات زبانی ما نیز برای آن‌ها جذاب خواهد بود. بنابراین، بباید اکنون ما نیز دیدگاه مورخان آینده رالاحظ کنیم و این دوره انقلابی در تاریخ زبان‌شناسی را، که در آن هستیم، با شور و هیجان و از روی کنجدکاوی بررسی کنیم.

اگر نگرانیید که این انقلاب زبانی شما را پشت‌سر خواهد گذاشت، یا آن‌قدر فرد پیشروی هستید که به سختی می‌توانید خودتان را برای افرادی که چندان اهل اینترنت نیستند توصیف کنید، این کتاب به شما کمک خواهد کرد تا این شکاف را برطرف کنید. این کتاب به شما کمک خواهد کرد متوجه شوید که ما چگونه به اینجا رسیدیم، چرا مردم آن‌قدر برای نقطه‌ای سرگردان هیجان‌زده می‌شوند و سوم اینکه چگونه تغییرات زبانی در اینترنت با تصویر کلی تراز ظرفیت باورنکردنی زبان بشر سازگار می‌شود. شما دیگر هیچ‌گاه به پیامی که با عجله و به سرعت نوشته‌اید مثل قبل نگاه نخواهید کرد.

---

1. Norman French